سهیلا الکوزی ۲۰۲۲/۱۲/۲۴

صدور فرمان هاي اخير طالبان مبتني به سلب حقوق انساني، اجتماعي و اسلامي زنان...

"ملت ما بعد از هر غسل خون، جامهء پارينه اش را به تن مي نمايد."
میبینیم که چقدر استعمارگران و طالبان از زنان ترس دارند، نه تنها ترس از زنان، بلکه ترس از ساختار يك جامعهء آگاه که اساسش را فقط مادران میتوان گذاشت. بلی این مادر است که با یک دست گهواره و با دست دیگر، جهان را میجنباند...
تاريخ كشور ما شهادت ميدهد كه بازندگان هر برد و باخت قدرت دولتي، زنان كشورما بوده اند، هرچند جنگنده هاي قدرت، آن جنس ديگر بوده است.
نگاه مختصر به تاريخ خونبار چهار و نيم دههء اخير:
كودتاي ثور ۱۳۵۷ خلق-پرچم كه تجاوز بيرحمانهء شوروي را بدنبال داشت، نتنها هستي مادي و معنوي ما را برباد فنا داد، بلكه انواع مظالم و مصايب را براي ملت ما بخصوص براي زنان ديار ما به ارمغان آورد: زنان زنداني و شكنجه شدند، سرپناه هايشان، مورد بمباردمان هاي وحشيانه قرار گرفت، آوارهء كشورهاي بيگانه شدند، خانواده هاي خود را از دست دادند و شاهد اعدام هاي همسران، فرزندان، پدران، برادران و ساير نزديكان خود بودند.
در ثور ۱۳۷۱، در اثر جنگ هاي قدرت گروه هاي مرتجع، سيه دل و كابل سوز، مرحلهء ديگري از بدبختي هاي زنان در كشورما آغاز گرديد كه حتي بنام قوم و سمت و گروه، مورد شكنجه، آزار و تجاوز جنسي قرار گرفتند و به اشكال ظالمانه كشته شدند.
در سال ۱۳۷۱، سيطرهء گروه طالبان، امنيت نسبي و همچنان آرامش قبرستان را بر كشور به بار آوردند. اما با صدور فرمان هاي عجولانه و دور از دين و مدنيت، شروع به توهين، تحقير و سلب حقوق انساني و مدني زنان نمودند كه چيزی باقي نمانده بود، در موارد، صرف غذا، نوشيدن آب و تنفس از هوا براي زنان هم تعينات نمايند.
طالبان خود با اعمال مظالم شان كه بيشترش مداخله به مسائل شخصی افراد بود، زوال شانرا رقم زدند.
در سال ۱۳۸۰، همان بود كه استعمارگران مكار كه قبلاً با همكاران منطقهء شان، كشور و مردم ما را غير مستقيم در گرو داشتند، علناً داخل ميدان شدند:
مجرمي را برداشتند و آن مجرمي شناخته شده را دوباره نوازش نموده و تا سكوي قدرت بدرقه نمودند و به اين ترتيب، غصب و چور دار و ندار سرزمين ما توسط زورگويان را رسميت بخشيدند و خود با نمايشات گويا آزادي زنان و مساوات بين الاقوام، شروع كردند به بلعيدن ارزش هاي اجتماعي و بهمزدن "ذيست باهمي" مردمان سرزمين ما.
فقط عدهء محدودي در فضاي آشفته، وفادار به تعهد ميهني باقي مانده بودند.
اما داشتند آهسته آهسته، عدهء از زنان نيز با مردان منفعت جو و رشوه گير از جيب استعمارگران، رقابت مي نمودند.
مشت نمونهء خروار، "مافياي انجوئي"...
ديگر بيشتر همين انجو ها بودند كه بنام زن، بساط دفتر هاي سرمايه اندوزي را به تماشا گذاشتند.
همين انجو دارها بودند، چه زن و چه مرد، كه سرمايه دار، سفري جهان، جنرال، وزير، وكيل و امثالش ميشدند، عدهء هم به هر ساز و سرود استعمار با وجد پايكوبي مينمودند.
و اينها تا حدي در اين بازار مصروف و مديون شده بودند كه زن و مرد و طفل زير مباردمان وحشيانهء ناتو را، شيرغلط ميزدند.
بلي، آنچه را شاهد زوالش بوديم، محكوم به زوال بود.
در سال ۱٤۰۰، مردم جنگزده و جفا ديدهء ما اكثراً تن به آمدن طالبان دادند، تا اگر باشد، به دور از بمباردمان، انفجار و انتحار، در فضاي صلح و امنيت، به زندگي و كار و بارشان بپردازند.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

از آنجائيكه بيشتري مردمان كشور جنگزدهء ما، به كسب علم و دانش دسترسي نداشته اند، به خصوص جنگجويانش، همينكه به مسند قدرت تكيه زدند، خواسته ويا ناخواسته، با فرمان هاي دور از منطق و منفعتي به جامعه، زندگي را براي مردم و به خصوص زنان جامعه، پر از درد و رنج و مائيوسي ايجاد نموده اند.
حالا، محدوديت ها و سلب حقوق اساسي-انساني زنان را كه طالبان دوباره پيشه نموده اند، چطور ميشود بررسي نمود؟
آيا طالبان نميدانند كه سياست عقب نگهداشتن ملت ها، سياست مكار وابسته نگهداشتن ملت ها ميباشد؟
يا ميدانند، اما جهت رسيدن به قدرت، تسليم برنامه هاي دشمنان دور و نزديك كشورما شده اند.
ويا خطرناكتر از همه، در ميان فرمانروايان طالبان، دشمنان جان و مال ما (ملايان لنگ)نفوذ نموده اند...
بهر صورتش، صدور فرامين چناني، عليه، نيمهء نيروي انساني جامعهء ما، مخالف آزادي ملي، در مغايرت با اخلاق اجتماعي ما و عليه حقوق اساسي و مدني زنان افغانستان ميباشد. طالبان بايد بدانند كه فراگرفتن علم و دانش، يك انتخاب و نياز شخصي بوده و مربوط به تصميم خانواده و اعضاي خانواده ميشود. وظيفهء دولت، آماده ساختن زمينه ها، براي درس، كار و پيشرفت اتباع كشور است و روند انكشاف كشورها هم چنين مقدور است. هرآنچه از نگاه هاي مختلف، مجاز و قابل توجيه نباشد، نميتواند پذيرفتني باشد...
كشورما به آزادي ملي، ذيست باهمي و صلح دايمي نياز دارد و تطبيق چنين مرام، فقط و فقط با شركت فعال و عملي در تمام ساحات اجتماعي، اقتصادي، فرهنگي و سياسي زنان ممكن ميباشد، بنابرين حق تحصيل و حق كار از جمله حقوق اساسي اوليه زنان كشور است كه بدون آن جامعهء ما روي آزادي واقعي را نخواهد ديد و بيچاره در برابر بازي هاي دشمنان دور و نزديك، باقي خواهد ماند.
طالبان كه هنوز هم از تجارب تاريخي نه آموخته اند، بدانند، هر تصميمي كه از نگاه هاي مختلف، خلاف منفعت ملي و خلاف پيشرفت مردم باشد، پذيرفتني نميباشد...

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ